

دین مقدس اسلام سازگاری نداشته، حذف می‌کرده‌اند و در برابر، بخشهایی بر طبق ذوق خوانندگان، بدان می‌افزوده‌اند. با گذشت زمان و رواج کتابهای قصه همچون «هزار افسان»، به تدریج تغییرات بیشتر می‌شد.^۱

در متن فارسی کتاب «هزار افسان» نمونه‌هایی از قصه‌های ایرانی عبارت است از:

۱. حکایت شهریار و برادرش شاه زمان
۲. حکایت گاو و خر
۳. تاجر و عفریت
۴. حکایت ماهیگیر
۵. وزیر حيله‌گر
۶. برکه و ماهیان رنگارنگ
۷. ملک شهرمان و فرزندش قمرالزمان
۸. ملک زاده و حکیم و اسب آبنوس

«هزار افسان» یا «هزار و یک شب» از معروفترین و شگفت‌آورترین کتابهای قصه در جهان به شمار می‌رود که بر روی ادبیات جهانی تأثیر فراوان نهاده است. از آنجا که شمار بسیاری از داستانهای ایران و جهان به سبک «هزار افسان» نگاشته شده‌اند، شناخت آن ضروری می‌نماید.

در «فهرست» ابن ندیم، از «هزار و یک شب» به عنوان نخستین کتاب قصه نام برده شده است. سبب بیان قصه‌ها این بود که یکی از پادشاهان ایرانی هرگاه همسری برمی‌گزید، شبی را به سر می‌آورد و روز بعد آن همسر را می‌کشت. سرانجام با دختری از وزیرزادگان به نام شهرزاد که بسیار باهوش بود، ازدواج کرد و پس از گذشت شبی، شهرزاد قصه‌گویی آغاز کرد و روز دوم را به شب رساند و همین‌گونه ادامه داد تا هزار شب سپری شد و نیز فرزندی به دنیا آورد و او را به شاه نشان داد و شاه را از ترسند خود آگاه کرد. شاه خردمندی او را پسندید و از او نگاه داری کرد. شهرزاد،

جستاری در «هزار و یک شب»

حواهری کوچکتر داشت که با او همراهی بود و یاریش می‌داد. بیان قصه‌های کتاب، هزار شب زمان حکایت در پر دارد و گاهی حکایتی در چند شب روایت می‌شده است.

ابن ندیم و شماری دیگر از محققان، اصل داستانهای «هزار افسان» را از ده نحویه^۲ و آمستروپ^۳، «هزار افسان» اصلی هندی دارد و قبل از حمله اسکندر به ایران (۳۳۴ ق.م.) از هندوستان به ایران آورده شده و پس از افزودن قصه‌های ایرانی در آن، به «هزار افسان» شهرت یافته است. این کتاب، در قرن سوم هجری به زبان عربی ترجمه شد و از بغداد به مصر رفت و در آنجا نیز قصه‌هایی بدان افزوده گشت و سپس در قرن دهم هجری در مصر تدوین یافت و به صورت کنونی درآمد. در سال ۱۲۶۰ قمری، میرونا عبداللطیف طسوجی تبریزی کتاب را به زبان فارسی برگرداند. قصه‌های رایج در مصر و بغداد و هند و ایران، در آن گرد آمده و اصل آن در ایران به زبان پهلوی بوده که متأسفانه از میان رفته است. مترجمان و راویان بخشهایی از قصه‌ها یا اصل آنها را که با

۹. حکایت اردشیر
۱۰. ملک بدر
۱۱. سیف الملوک
۱۲. حسن زرگر بصری

در تحریرها و تغییرها، سعی شده که به قصه‌ها لباس اسلامی بپوشانند و جای‌جای در صحنه‌های داستان صدای تلاوت قرآن و اذان به گوش می‌رسد و کارهای ناشایست به پیروان دیگر ادیان نسبت داده می‌شود و از آنان به عنوان جانی و دزد و فاسد نام می‌آید و گاه کینه و نفرت دیگر پیروان ادیان محور قصه‌گویی قرار می‌گیرد. جان آدمی در داستانها دستخوش حوادث است و مانند بسیاری از دیگر قصه‌های قدیمی مرگ آدمیان ساده تلقی می‌گردد و کشته شدن آنان به پای سرنوشت شوم آنها گذاشته می‌شود. در واقع، تقدیر و سرنوشت جبری^۵ یکی از مهمترین عناصر داستان است. در داستانها می‌آورد که: هرگاه خدا کاری را بخواهد لامحاله خواهد شد و از قضای پروردگار گریزی نیست و هیچ



جانوری بی‌اذن خدا نمی‌میرد. ظاهر سازی در اجرای قوانین قضایی یکی از عناصر داستان است. در قصه «سه واقعه عجیب» می‌خوانیم که محافظان سلطانی و مجریان قانون به جای دزدی که از چوبه دار گریخته است، مرد دهاتی فلک زده‌ای را به دار می‌زنند تا از مجازات سلطان در امان باشند!

قصه‌های «هزار افسان» هنوز هم سرگرم‌کننده و خواندنی است و بعضی از آنها به داستانهای کوتاه یا بلند امروزی شبیه می‌گردد. جنبه غنایی و عاشقانه داستانها، بسیار قوی است و در بسیاری از قصه‌ها راه حلی جز مرگ وجود ندارد.

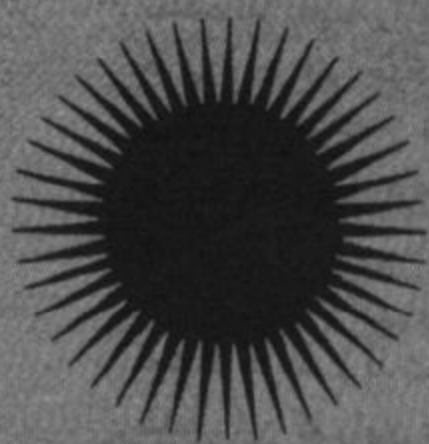
عربان از قدیمترین ایام، همچون دیگر اقوام، به گفت و شنود قصه عادت داشت‌اند، اما عناصر نخستین داستانها را از دیگر ملت‌ها اخذ کرده‌اند. عربانی که پیوسته در حال کوچ بوده‌اند و فرهنگ و تمدن نداشته‌اند، طبیعتاً از قصه‌های بلند بی‌بهره بوده‌اند. شاید در میان اقوام کوچنده ضرب‌المثال^۲ بیشتر رواج داشته است، اما

دکتر احمد تمیم‌داری

عربان متمدن همچون یمنیها داستان دیگر داشته‌اند. در باره اینکه در سرزمین حجاز داستانها را از دیگر اقوام اخذ می‌کرده‌اند، آورده‌اند که تاجری بود به نام نصر بن الحارث که در جنگ بدر اسیر شد و پیامبر (ص) به قتل او فرمان داد؛ زیرا او قصه‌های ایرانی و رومی را درمی‌آمیخت و در طریق معارضت و مبارزت با قرآن، بر مکتبان می‌خواند و قصه‌هایی در برابر داستانهای عاد و ثمود قرآن می‌آورد تا نبوت را براندازد.

متأسفانه در باره ریشه قصه‌ها در «هزار و یک شب» به گونه‌ای دقیق تحقیق نشده است و اندازه برخورداری قصه‌ها از اسطوره‌ها و فرهنگ عامه و روحيات و اخلاقیات ملل گوناگون، روشن نیست. آنچه مسلم است، آن است که در سراسر ادبیات جهانی، از آنجا که پای انسان و خواسته‌ها و امیال و آرزوهای مشترک انسانی در میان است، طبیعتاً جوهری مشترک در ادبیات جهانی پدید آمده است. قصه عشق انسان به انسان، و عشق انسان به خدا، و عشق خدا به انسان، و قصه حماسه و جنگ در برابر بیگانه و نشر اخلاق

مجله علمی پژوهشی
علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پیاپی ۱۱۱
شماره ۱۱۱
تابستان ۱۳۹۸





کسانی آنها را ساخته‌اند تا با روایت کردن این داستانها به شاهان تقرب جویند و با گفتگو و از برکردن آنها بر مردم زمانه نفوذ یابند. این گونه اخبار، از قبیل کتابهایی است که از فارسی و هندی و رومی نقل و ترجمه شده و ترتیب آن چون کتاب «هزار افسان» یعنی هزار خرافه است که خرافه را به فارسی افسانه گویند! و مردم این کتاب را «الف لیلة و لیلة» یا «هزار و یک شب» گویند که حکایت ملک و وزیر و دختر وزیر و کنیز دختر که دینزاد نام دارد و چون کتاب «فرزه و شماس» از ملوک و وزیران هند حکایتها دارد و کتاب «سندباد» نیز نظیر آن است.

دوماسی در آخرین جستارهای خود، معتقد شد که کتاب «هزار افسان» در دوره‌های متأخر تألیف شده است. او همچنین با نظر کسانی که به عناصر هندی و ایرانی در کتاب تصریح کرده‌اند، مخالف بود. در واقع، دوماسی با توجه به روایت مسعودی در «مروج الذهب» محملی یافت تا به اثبات نظر خویش، مبنی بر مجعول بودن کتاب «هزار افسان»، تأکید ورزد. ژوزف فون هامر، محقق آلمانی، در کتاب سال وین و همچنین در مجلد اول مجله آسیایی و همچنین در مقدمه کتاب «ترجمه دیگری از داستان هزار و یک شب» با نظریه دوماسی و در نتیجه با مضمون روایت مسعودی در «مروج الذهب» مخالفت ورزید.

ویلیام لین، محقق انگلیسی، در مقدمه کتاب «نمایشهای هزار و یک شب» با ترجمه جزئی از کتاب «هزار افسان»، در صدد بود تا اثبات کند که این کتاب دارای مؤلف واحدی است و در میان سالهای ۱۴۷۵ تا ۱۵۲۵ م. تألیف شده است!!

ده غریبه و مولر و نولدکه از محققان دیگر و دانشمندان به نظریه طبقه‌بندی محتوای کتاب، قایل شده‌اند و استروپ در ترجمه روسی کتاب «هزار افسان»، داستانها را در سه دسته یا طبقه مستقل قرار داده است: طبقه اول، داستانها همان است که از کتاب «هزار افسان» فارسی گرفته شده است؛ طبقه دوم، قصه‌های بغداد است؛ و طبقه سوم، قصه‌ها مربوط به مصر است. شوفاژ قایل به طبقه‌ای از داستانهای یهودی است و رینه باسیه، در کتاب «هزار افسان» به ملاحظات ارزشمندی پرداخته است.

اما آنچه با اطمینان بیشتری می‌توان گفت، این است که مایه‌های اصلی کتاب «هزار و یک شب» مأخوذ از داستانهای ایرانی «هزار افسان» است که در قرن سوم قمری به عربی برگردانده شده و بسیاری از قصص نیز اصلی هندی دارد. قصه‌گویان عرب در تطبیق قصه‌های بیگانه با اوضاع عرب، مهارت ویژه‌ای دارند. از وجود اسمهایی همچون شاه زمان و شهریار، تردیدی نمی‌ماند که داستان ایرانی است و گاهی هم داستانهای ایرانی و هندی با هم شباهت دارند. داستان بازرگانانی که زبان حیوانات وحشی را درمی‌یابند، در داستانهای هندی نظایر فراوان دارد. در طریقه داستان‌گویی، یعنی داستان در داستان آوردن، نیز در کتاب از روش هندیان

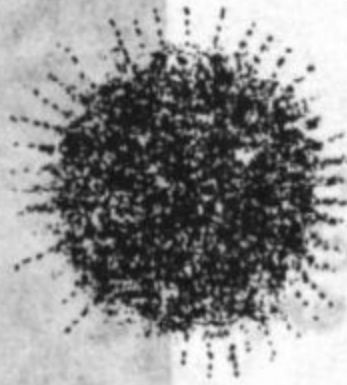
و فضایل مشترک انسانی در همه قصه‌ها مطرح شده است، منتها در هر جا که تمدن پیشرفت کرده و فرهنگ انسانی نیرو یافته، قصه و قصه‌نویسی هم رشد کرده است. کتاب «هزار و یک شب» درست در زمانی به عربی ترجمه می‌شود که تمدن اسلامی به اوج رسیده و رفاهی نسبی برای طبقات متوسط و رفاهی بیشتر برای سیاستمداران و ارباب زر و زور پدید آمده و تفریح و خوشگذرانی ضرورت زندگی شده است. تمدن اسلامی رشد یافت و بغداد یکی از بزرگترین مراکز تمدن اسلامی گردید و در ادبیات گذشته، از شعر داستانهای ابتکاری تدوین گردید و همراه با دیگر مظاهر فرهنگ و تمدن، نقل قصه رایج گردید و در پی ارتباط میان فرهنگ شرق و غرب و در اثر جنگهای صلیبی و حمله مغولان، کم‌کم مظاهر فرهنگی پیشرفته از شرق به غرب انتقال یافت و یکی از مهمترین عناصر و عوامل فرهنگی که از شرق به غرب رفت، کتاب «هزار افسان» یا به عربی «الف لیلة و لیلة» بود.

در ادبیات اروپایی از قصه‌های «هزار افسان»، پس از ترجمه، استفاده کردند و لذت بردند. و از تکنیک داستان‌نویسی کتاب بهره‌ور شدند. این که راوی داستانی را نقل می‌کند و پس از بیان بخشی از داستان از زبان یکی از راویان و یا شخصیتهای داستان، داستانی دیگر می‌آغازد. این شیوه قصه در قصه گفتن و داستانهای تو در تو آوردن، همان است که اروپاییان از آن تقلید و اقتباس کرده‌اند و به آن شیوه لایرننت گویند.

کتاب «کلیله و دمنه» و «مثنوی» محمد جلال‌الدین به همین شیوه داستان در داستان تدوین شده است. شیوه و عاظ قدیم نیز چنین بود که چند داستان را در داخل هم می‌گفتند و یکی یکی آنها را به پایان می‌بردند و نتیجه‌گیری می‌کردند.

کتاب «هزار افسان»، از لحاظ فرهنگی، فصلی از تمدن شرق را ورق می‌زند و اطلاعات ما در باره این کتاب بسیار کم است و هنوز شیوه‌های دقیق علمی برای شناخت پدیده‌های فرهنگی در میان ما پدید نیامده است. پاره‌ای از اعتقادات و عناصر جهان‌بینیهای بزرگ، در سطحی نازل، در داستانهای کتاب تأثیر نهاده است. این اعتقاد به جبر و تقدیر که پیش از این اشاره کردیم، در میان قهرمانان داستانها رواج دارد.

نخستین بحثهای علمی و جدی در باره «هزار افسان» در اوایل قرن نوزدهم میلادی آغاز گشت و اولین دانشمندی که به شیوه علمی در باره کتاب بحث کرد، میلوستر دوماسی فرانسوی و واضع «فقه اللغة العربیة الحدیث» بود. دوماسی معتقد بود که یک شخص واحد مؤلف کتاب «هزار افسان» نبوده است. علی بن حسین مسعودی در کتاب «مروج الذهب و معادن الجواهر و الفضة» آنجا که از اخبار شد اوین عاد و مدینه او «ارم ذات العماد» سخن می‌گوید، آورده است: «بسیاری از کسانی که از اخبار گذشتگان اطلاع دارند، گفته‌اند این گونه اخبار مجعول و خرافی است و



استفاده شده است؛ آن چنان که «مهابهارات» و «پنجه تنتره» نیز به همین روش تألیف گردیده‌اند.

نخستین انگیزه قصه‌گویی در کتاب «هزار افسان» گذراندن وقت است تا پادشاه همسر خود را نکشد و در اثر قصه‌گویی از تصمیم خود منصرف شود. نظیر این انگیزه را در داستان «طوطی‌نامه» هندی هم می‌بینیم که بازرگانی به سفر رفت و همسرش تنها در خانه ماند و کم‌کم وسوسه شد که در غیبت شوهر خود با مردی دیگر نشست و برخاست کند! طوطی‌گویی داشت که قصه را دریافت و برای منصرف کردن زنی بازرگان از آن عمل ناپسند، قصه‌گویی آغاز کرد و هر روز بقیه قصه را به روز بعد وانهاد و داستانهایش آن اندازه جالب و گیرا بود که زنی بازرگان در اثر اشتیاق به شنیدن قصه‌ها و تعقیب ماجراها، از ملاقات با آن دوست نامشروع، منصرف شد تا سرانجام شوهرش از سفر به خانه خود بازگشت.

در باره قصه «طوطی‌نامه» در مقاله‌ای مستقل سخن خواهیم گفت. آنچه باید گفت این است که این طریقه قصه‌گویی بیشتر در داستانهای هندی به کار رفته و کتابهای دیگری بر این سبک و سیاق در فرهنگ ادب دیگر ملتها کمتر شناخته شده است. به گونه‌ی اساسی، این طریقه داستان‌گویی - داستان در داستان - مقیاسی برای شناخت اصل هندی قصه‌هاست، اما این طریقه - داستان در داستان - ویژه کتاب «هزار و یک شب» نیست، بلکه به صورت یک اسلوب یا سبک باید از آن نام ببریم. سبک داستان‌گویی هندیان چنین است که یکی از شخصیتها یا یکی از راویان داستان به دیگری گوید: چنین نکن که اگر چنین کنی به تو همان خواهد رسید که به فلان رسید! و شنونده می‌پرسد که چگونه بوده است آن؟ و قصه‌گو به روایت قصه می‌پردازد. این اسلوب در «هزار و یک شب» به کار رفته و عبارت «چگونه بوده است آن؟» یا در عربی «کیف ذلک؟» در آغاز قصه‌ها ترجمه عبارتی است در زبان سانسکریت: «کاتام اِنات» به طور کلی داستانهایی که در آن عفریت نقش دارد و یا جنگ ازدهای سفید و سیاه اتفاق می‌افتد، شبیه داستانهای مغولی و تاتاری است که آنها هم باید اصلی هندی داشته باشد. داستان پادشاه و حکیم دویان یا رویان؟ و اینکه چگونه حکیم، پادشاه را با اوراق سم‌آلوده کتابی می‌کشد، شبیه عاداتی است که در میان هندیان شایع است. از نشانه‌های مشابهی که میان اجزا و عناصر داستانهایی نخستین کتاب «هزار و یک شب» وجود دارد، چنین برمی‌آید که داستانهایی کتاب آن چنان که اکنون در دست ماست، متفرق نبوده است؛ بلکه در آغاز داستانهایی نظم و ارتباط بیشتری داشته و پس از آنکه از کتاب «هزار افسان» اقتباس گردیده، دگرگونیهای فراوانی در آن راه یافته است.

در حکایت اسب سحرآمیز، اسمهای فارسی همچون شاپور و عدها، اسب، همچون نوروژ و مهرگان (نیروز و مهرجان در

در داستان «حسن زرگر بصری» در پاره‌ای از ترجمه‌ها به جای حسن زرگر (صائغ) عاصم صباغ آمده است.^{۱۷}

در باره طبقه‌بندی قصه‌های «هزار افسان» می‌توان گفت که پاره‌ای حکایات مانند قصه‌های شهرهای اندلس و داستان هشام بن عبدالملک مروان مربوط به دوران اموی و داستانهایی مربوط به هارون‌الرشید مربوط به دوران عباسی و وقایع بغدادی است. در داستانهایی بغداد، وقایع بیشتر مربوط به طبقات متوسط جامعه است که با مشکلات عشقی رو به رو می‌شوند و خلیفه حلال مشکلات می‌شود. داستان دزدان و حکایات پریان (اجنه) که اکثر از اسلوب سستی برخوردارند، طبقه‌ای از داستانهایی مصری به شمار می‌رود. طبقه‌ای از داستانهایی مبتذل که همراه با سحر و جادوست، به یهودیان قدیم مصر مربوط می‌شود.

اما داستانهایی «سندباد» و سفرهای هفت‌گانه او، به نظر می‌رسد که کتابی مستقل بوده است و سپس به داستانهایی «هزار و یک شب» افزوده گشته است. پاره‌ای از حکایات قدیم یونانی و مصری شباهت دارد به داستانهایی «سندباد». گروهی از محققان قدیم مانند مسعودی و ابن ندیم آورده‌اند که سندباد نام حکیم هندی است و هم اوست که «سندبادنامه» را وضع کرده است.

در داستانهایی مربوط به بغداد، اشعار فراوانی نقل شده که در بخشهای حساس داستانهایی یعنی هنگام غم و شادی بسیار و یا قتل و جنایت و یا حکمت و پند و تأملات... درج شده است. در داستانهایی تمثیلی هندی نیز از همین سبک یعنی نقل اشعار استفاده گردیده به طور معمول شاعر اشعار ذکر نشده مگر چند شاعر همچون ابونواس، ابن المعتز و اسحاق موصلی.

ترجمه‌های «هزار افسان»: ۱۷۸۸ تا ۱۷۹۵
کتاب «هزار و یک شب» را نخستین بار آنتونی جلاوند^{۱۸} (۱۶۴۶ - ۱۷۱۵) فرانسوی به فرانسه در ۱۲ مجلد ترجمه کرد با همان نام «هزار و یک شب». این ترجمه دوازده مجلد از سالهای ۱۷۰۴ تا ۱۷۱۷ به طول انجامید و مجله‌های یازدهم و دوازدهم دو سال پس از مرگ مترجم انتشار یافت. علل طولانی شدن زمان ترجمه جلاوند بیشتر مربوط می‌شد به وسواس مترجم و اینکه از نسخه‌های خطی اصیل استفاده کند. در اروپا به طور معمول مترجمان و قصه‌سرایان و علاقه‌مندان به قصص شرقی ترجمه جلاوند را معتبر می‌دانستند در سال ۱۷۸۸، بعضی از حکایات عربی را دنیس کافیس^{۱۹} به زبان فرانسه ترجمه کرد. بازون دبریتی^{۲۰} بنا بر دستور دولت فرانسه او را که کاهنی سوری بود از روم به پاریس آورد.

دنیس کافیس بر نسخه‌هایی مخلوط از «حکایت علاءالدین» دست یافت و ترجمه فرانسه او را یکی از محققان به نام کازوت^{۲۱}

ترجمه می‌کند، با این گمان که ترجمه جدیدی ارائه کرده است؛ اما در واقع کتاب او همان ترجمه جلاند بود به اضافه الحاقات کازین و جویته و اسکات.

ادامه دارد

پانوش

1. Joseph Von Hammer
2. De. Goeje
3. Oestrup

۴. مراجعه شود به «ادبیات ساسانی» دکتر تفضلی.

5. Fatalism
6. Lyrical Stories
7. Proverbs
8. Arabian Nights
9. Labirenth
10. Silvester de Sacy
11. William Lane
12. Muller
13. Noldeke
14. Chuvin
15. Rene' Basset
16. Katametat

۱۷. ترجمه هایش و هاگن (Habicht et Hagen)

18. Antonie Galland
19. Les Mille et Une Nuit
20. Denis Chavis
21. Baron de Breteuil
22. Cazotte
23. William Beloe
24. Patrick Russell
25. The Natural History of Aleppo
26. Jonathan Scott
27. James Anderson
28. William Ousley
29. Oriental Collections
30. Caussin de Perceval
31. Edward Gauttier
32. Zinserling
33. Lamb

اروپایی به داستانهای «هزار و یک شب»، در سالهای ۱۷۹۲ تا ۱۹۷۴ سه ترجمه انگلیسی به ترجمه فرانسوی دینس افزوده شد. در سال ۱۷۹۵ ویلیام بیلو^{۳۳} در بخش سوم از جنگ ادبی Miscellanies پاره‌ای از داستانهای «هزار افسان» را اضافه کرد. ترجمه این داستانها را پاتریک راسل^{۳۴} مؤلف کتاب تاریخ طبیعی حلب^{۳۵} برای یولو نقل کرده بود.

در سال ۱۸۰۰ جوانتان اسکات^{۳۶} بعضی از حکایات «هزار و یک شب» را که جیمز اندرسن^{۳۷} از هند آورده بود، به کتاب معروف خود با عنوان "Tales, Anecdotes and Letters" افزود.

از سال ۱۷۹۷ تا ۱۷۹۸ ویلیام اوزلی^{۳۸} بخش عمده‌ای از داستانهای «هزار و یک شب» را در کتاب خویش با عنوان «مجموعه‌های شرقی»^{۳۹} درج کرد. در سال ۱۸۱۱ همین نویسنده ترجمه‌ای انگلیسی از ترجمه فرانسوی جلاند ترتیب داد و مجلدی دیگر مشتمل بر حکایاتی تازه بر آن افزود. کازین دوپرموال^{۴۰} در سال ۱۸۰۶ دو مجلد بر کتاب ترجمه جلاند اضافه کرد و در همین دو مجلد ترجمه‌ای دقیق از ترجمه دینس کافیس اخیرالذکر ترتیب داد.

ادوارد جویته^{۴۱} در سالهای ۱۸۲۲ و ۱۸۲۳ از ترجمه جلاند پیشتر رفت. مجلد ششم و هفتم از ترجمه جلاند را به تحقیق آورد و از مأخذی معتبر در دو مجلد مذکور تصرف کرد و چندین حکایت دیگر بر آن افزود.

ترجمه فون هامر از روی متن صحیحی صورت پذیرفته و مؤلف در برگزیدن حکایات دقت فراوان به کار برده است. فون هامر در مصر نسخه خطی معتبری به نام «نص زوتنبرج» به دست می‌آورد و پس از چندین بار که چاپ می‌شود از متنهای معتبر شناخته می‌گردد. مترجم مذکور متن اصلی را به زبان فرانسه ترجمه می‌کند و پاره‌ای از حکایات را که جلاند به دست نیاورده بود، او بر متن اضافه می‌کند. متأسفانه این متن فرانسه موجود نیست. زینسرلینگ^{۴۲} آلمانی ترجمه هامر را در دست داشته و در سال ۱۸۲۳ آن در سه مجلد به زبان آلمانی برگردانده است. در سال ۱۸۲۶ لمب^{۴۳} همین کتاب را در سه مجلد زبان انگلیسی ترجمه کرده است. در سال ۱۸۲۵ هایشت کتاب «هزار افسان» را در پنج مجلد

منابع

۱. الفهرست، ابن‌النیم، ترجمه رضا نجفد، صص ۵۴۰ تا ۵۴۶. چاپ دوم چاپخانه بانک بازرگانی ایران، ۱۳۲۶.
۲. مروج الذهب و معادن الجواهر، علی بن حسین بن علی مسعودی، ج ۲، صص ۳۵۱ هزار افسانه و الف خرافه، مطبعه دارالاندلس، ۱۹۶۶، بیروت.
۳. الف لیلة و لیلة، ۶ مجلد، الشركة العالمیه للکتاب، دارالکتب العالمی، دارالافریقیه العربیه، بیروت، لبنان، چاپ اول ۱۹۹۰.
۴. فرهنگ فارسی، دکتر محمد معین، ذیل کلمه هزار افسان و سندبادنامه. اعلام، مجلد ۵ و ۶، چاپ سوم، امیرکبیر، ۱۳۵۶.

5. *The Random House Dictionary of the English Language*, First Vol. See **Aranian Nights**.

6. *Encyclopaedia of Islam*, first Vol. See: **Arabian Nights**

۷. دائرةالمعارف الاسلامیه، مجلد دوم، انتشارات جهان، تهران، ذیل الف لیلة و

لیلة.